

هنر نساجی و پارچه‌بافی یزد در دوره درخشان صفوی

گنجینه موزه ویکتوریا و آلبرت لندن

دکتر علی اکبر شریفی مهرجردی

استاد یار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

چکیده:

در دوران صفوی به سبب حمایت از بافندگان ایران، یزد و شهرهایی چون اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم و تبریز از مهمترین و بزرگترین مراکز اصلی ابریشم‌بافی محسوب می‌شدند، در این دوره یزد به بافتن پارچه‌ای به نام دیباج معروف می‌گردد که گاه با تاری از نخ‌های زرین بافته می‌شد. همچنین پارچه مخملی زرین بافت یزد در حقیقت با ارزش‌ترین منسوجات آن دوره محسوب گردید. به سبب حمایت شاه‌عباس از هنرمندان، هنر بافندگی نیز توسعه می‌یابد و بر کارگاه‌های بافندگی در شهرهای یزد، کاشان و نیز اصفهان اضافه می‌گردد و علاوه بر آن، در دوران صفوی، دوران طلایی در صنعت پارچه‌بافی ایران است که شاهد یک طبقه هنرمند به صورت بافنده و طراح هستیم، از جمله می‌توان به استاد غیاث‌الدین نقشبند یزدی و استاد معین مصور اشاره کرد که هر دو از هنرمندان معتبر در دوره صفویه و اهل یزد بودند. هدف از پژوهش حاضر معرفی منسوجاتی است که در کارگاه‌های عصر صفوی، از پارچه‌های ابریشمی ساده، پارچه‌های ابریشمی نقش‌دار و مخمل‌های ابریشمی تولید و معمولاً خاص شاهزادگان و پرده و روپوش‌ها به کار می‌رفت. این پارچه‌ها به علت زیبایی و ارزشی که داشت اغلب از طرف پادشاهان صفوی به عنوان هدیه برای بزرگان کشورهای دیگر نیز فرستاده می‌شد. این نوشتار با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اسناد تصویری از موزه ویکتوریا آلبرت تنظیم شده است. در مجموع می‌توان گفت، مهمترین امتیاز دوره صفویه نسبت به دوره‌های دیگر از نظر بافندگی، قرابت زیاد هنر نقاشی با صنعت بافندگی است. این تجانس در آثار هنرمندان پیرو سبک غیاث نقشبند که از طرح‌های کوچک استفاده می‌کردند و در یک طرح گل با یکدیگر هماهنگی داشتند، به خوبی قابل تشخیص است.



با ظهور اسلام و گسترش آن در فلات ایران، ملت‌هایی که در تمدن، صنعت و هنر از آن‌ها جلوتر بودند، که در این زمان صنعت پارچه‌بافی در سرزمین‌های گوناگون اسلامی بسیار تشویق و حمایت شد. به طوری که خلفا و پادشاهان برای پاداش به دولت‌مردان خود، خلعت‌های گرانبهایی از بافته‌های ابریشمی می‌بخشیدند. علی‌رغم ویران شدن بسیاری از کارگاه‌های بافندگی در این دوران، تولید پارچه‌های نفیس ابریشمی ادامه می‌یابد و با زوال کارگاه‌های سلطنتی این هنر در بین حکومت‌های محلی فراهم می‌گردد و زمینه ارتقاء هنر نساجی مهیا می‌شود و یزد در این زمان با صنایع دستی خود به‌ویژه صنعت نساجی معروف می‌شود و به موازات ترقی در اوضاع و احوال تجاری و بافندگی یزد در دوره‌های مختلف اسلامی، این شهر در زمره مراکز اقتصادی، هنری و فرهنگی قرار می‌گیرد و با آغاز دوران حکومت صفوی، جایگاه ویژه‌ای می‌یابد.

در دوره تیموری نیز يك نهضت هنری در امر بافندگی شروع می‌شود که در صفویه و بعد از آن نیز ادامه می‌یابد که این حرکت سبب نزدیکی هنر بافندگی به هنر نقاشی می‌شود و پارچه‌بافی در عصر تیموری گام بزرگی در راه دستیابی به زیبایی‌شناسی نقش‌های تزئینی، دقت، ظرافت و نزدیکی به طبیعت، برمی‌دارد. و هنر بافندگی یزدی نیز در این میان دور از تأثیر نیست. در این زمان بجز تولیدات دیگر نوعی پارچه در شهر یزد بافته می‌شده به نام «سیر و نیم سیر» که عبارت بوده از پارچه کم‌رنگ و نقوش آن با همان رنگ زمینه ولی به صورت براق و علاوه بر آن، نوعی دیگر به نام پارچه «زربفت» که در بافت آن الیاف طلا و نقره به کار می‌بردند. در دوران صفوی به سبب حمایت از بافندگان ایران، یزد و شهرهایی چون اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم و تبریز از مهمترین و بزرگترین مراکز اصلی ابریشم‌بافی محسوب می‌شوند، در این دوره یزد به بافتن پارچه‌ای به نام «دیباچ» معروف می‌گردد که گاه با تازی از نخ‌های زرین بافته می‌شود. همچنین در آن دوران پارچه‌ای به نام «خارا» که پارچه ابریشمی محکمی بوده و نیز پارچه حریر دیگری به نام «مشجر» که در آن از نقوش شاخ و برگ استفاده می‌شده و علامت بافت پارچه مخمل به صورت ساده یا با استفاده از نخ‌های زرین در این شهر رواج داشته که پارچه مخملی زرین بافت یزد در حقیقت با ارزش‌ترین منسوجات آن دوره محسوب می‌گردد. (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۳۹۱)

در عصر صفوی در کارگاه‌های یزد، کرمان و کاشان سه نوع پارچه بافته می‌شد که عبارت بود از پارچه‌های ابریشمی ساده، پارچه‌های ابریشمی نقش‌دار و مخمل‌های ابریشمی که این نوع پارچه‌ها معمولاً خاص شاهزادگان و پرده و روبوش‌ها به کار می‌رفت و به علت زیبایی و ارزشی که داشت اغلب از طرف پادشاهان صفوی به عنوان هدیه برای بزرگان کشورهای دیگر فرستاده می‌شد.

نساجی ایران در دوره صفویه

دوران درخشندگی و شکوفایی نساجی ایران بعد از رکود چند ساله حمله مغول و تیموریان با آغاز سلسله صفویه شروع شد و به اوج خود رسید. دوره صفویه از سال ۹۰۷ هجری (۱۵۰۲ میلادی) آغاز می‌شود و به ۱۱۴۵ هجری (۱۷۳۱ میلادی) پایان می‌یابد. شکوه، بزرگی و سازندگی دوران ساسانیان را به ایران بازگرداند. پارچه‌های تاریخ‌دار صفویه به خوبی نشان می‌دهد که در این هنگام طرق جدید و اصول فنی کاملاً مستقر و پابرجا شده بودند و از روی نقاشی‌های مینیاتور آن عصر و همچنین از پارچه‌های فراوانی که از دوران صفویه برجای مانده است، می‌توان دریافت که نقشه‌های بدیع و ظریف اسلیمی تحول و پیشرفت شگفت‌انگیزی یافته و یا گل و بته و نقش حیوانات که با هنر نمایی و لطافت خارق‌العاده‌ای توأم است، با رنگ‌های جالب و درخشان در پارچه بافته می‌شد.

تقریباً همه سیاحان و مورخین که در دوره صفویه به ایران سفر کرده‌اند در یک اظهار نظر هم عقیده‌اند که در دوران صفویه درخشان‌ترین دوره صنعت پارچه‌بافی از آغاز تاریخ ایران تا آن عصر بوده است. در این دوره شاه و امراء و درباریان و بزرگان قوم همه و همه از بافندگان

عصر خود حمایت می‌کردند و خود نیز در لباس‌هایی که از دیبا و ابریشم و سایر پارچه‌هایی مزین به رشته‌هایی به طلا و ابریشم مزین بود، می‌زیستند. به همین جهت کارگاه‌های پارچه‌بافی مقادیر زیادی از آن پارچه‌ها تهیه می‌کردند و علاوه بر مصرف داخلی مقدار عمده‌ای از آن را بازرگانان ایرانی به بازارهای اروپا و مخصوصاً روسیه حمل می‌کردند که در آنجاها با اقبال عمومی روبه‌رو می‌شد. پارچه‌بافان به سبب اقبال و استقبال فراوان مردم و حمایت بی‌دریغ پادشاهان و حکومت‌ها کوشیدند تا در بافت انواع و اقسام پارچه‌ها از قبیل دیبا، پارچه‌های کتانی، اطلس، مخمل، زری و سایر پارچه‌های زیبا و ظریف مهارت بیشتری به دست آورند. در طراحی و نقشه پارچه نیز صنعتگران و هنرمندان این دوره به درجه‌ای رسیده بودند که تا آن هنگام سابقه نداشته است. تزئینات این پارچه‌ها عموماً از موضوعات داستان‌های شاهنامه و منظومه‌های شعرای معروف ایران و یا مناظری که شاهزادگان و اشراف را در شکارگاه‌ها و بزم‌های شاعرانه نشان می‌داد انتخاب می‌شد.

بهترین مراکز نساجی در دوره صفویه تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم، سلطانیه، اردستان و شیروان بود. اما یزد و کاشان و اصفهان شهرت بیشتری داشتند و نیز یزد در بافته‌هایی که به تصاویر انسان مزین می‌شد، شهره بود. یکی از معروف‌ترین تولیدات پارچه‌بافی یزد در این دوره پارچه ساتن است. به طور معمول این ساتن‌ها به رنگ سبز و گاه قرمز هستند که نقوش گل و یا درخت به طور مناسب و منظم نقش شده‌اند. در بافت این پارچه الیاف پود در سرتاسر پارچه مشخص است، چون پارچه بسیار نازک و لطیف است این الیاف به وضوح مشخص هستند. علاوه بر این در یزد نوعی پارچه شال بافته می‌شد که به میزان زیاد از نظر رنگ و نقوش نزدیک به پارچه‌های ابریشمی کشمیری مربوط به سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری بود. زمینه این پارچه بیشتر سرمه‌ای

است که کمی به شرابی می‌زند و با نقوش بته جقه و تزئینات گیاهی به رنگ قرمز ارغوانی تزئین شده است. این پارچه خیلی لطیف و قابل انعطاف است و رنگ‌ها کاملاً با هم هماهنگی دارد. استفاده از این پارچه در تهیه لباس ابتکاری جالب بود و دوخت و تنظیم بته جقه‌ها در محل مناسب لباس مهارتی خاص را لازم داشت. (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۴۵۷)

از نساجان معروف این دوره که اسامی آنان به‌عنوان هنرمندان بزرگ دوره صفویه باقی مانده است عبارتند از: غیاث، عبد الله بن غیاث، حسین بن غیاث، یحیی بن غیاث، معزالدین غیاث، آبان محمد، محمدخان کاشانی، علی خان کاشانی، اسماعیل کاشی، معین، آقامحمود اصفهانی، مغیث اصفهانی زیور می‌باشند.

یکی دیگر از شعبات صنعتی که در ایران عصر صفوی سرمشق و مورد تحسین دنیا واقع گردید بافتن پارچه‌های ابریشمی است. همانطور که در قالی‌ها و مینیاتورهای این دوره مشاهده می‌شود پارچه‌های این عصر نیز برای رنگ‌آمیزی و طرح مشهور می‌باشند. بسیاری از طرح‌های پارچه‌های گرانیقیمت عصر صفوی شباهت زیادی به هنر مینیاتور دارد. مشهورترین و بی‌بدیل‌ترین پارچه‌های این عصر زری و مخمل‌بافی‌هایی است که با ابریشم به‌طور برجسته روی آن‌ها تزئین شده است. این نوع پارچه‌ها نمونه‌ای است از صبر، حوصله و استادی بافندگان آن، زیرا که بافتن این طرح‌های پیچیده به رنگ‌های گوناگون محتاج به تفسیر و تبدیل بی‌انتهای دوک و شانه است. (ویلسن، ۱۳۶۶: ۸)

طرح و نقشه پارچه‌های مورد بحث از روی زندگی آن عصر و همچنین از مضامین لطیف ادبی اقتباس می‌شد. از متداول‌ترین نقش‌های تصویر لیلی و مجنون، نقشه گل و برگ، پرندگان و حیوانات بود. تهیه این قسم پارچه‌ها در زمان شاه‌عباس که بیش از دیگر پادشاهان صفوی به صنعت و از جمله پارچه‌بافی علاقه داشتند. و غیر از کارگاه‌های یزد و کرمان و کاشان که مدت‌ها

به‌نام پارچه‌های ابریشمی در سراسر جهان معروف بودند. شاه‌عباس در اصفهان نیز کارگاه‌های بافندگی دایر کرد که به‌طور انحصاری پارچه‌های دربار را تهیه می‌نمودند. شاید مهمترین امتیاز دوره صفویه نسبت به دوره‌های دیگر از نظر بافندگی نزدیکی فراوان هنر نقاشی با صنعت بافندگی بود و از تطابق پارچه‌ها و نقاشی‌های آن دوره به‌خوبی می‌توان فهمید که طراحان پارچه‌های عالی همان نقاشان معروف بودند تا آن‌جا که همان رنگ‌های کدر و ملایم موجود در نقاشی‌های صفوی مرسوم برای اولین بار در پارچه‌بافی تجلی کرد. سنت بافندگی پارچه در یزد میراث‌دار هنرمندان گمنام بسیاری است که در روند شکل‌گیری ارزش‌های ماندگار طرح، نقش و بافته‌های ساخت یزد سهم زیادی داشته‌اند. در این مختصر به معرفی دو هنرمند شناخته شده اهل یزد، صاحب سبک و معتبر در زمینه طراحی و نقشبندی پارچه‌های دوره صفویه، که آثار بسیاری از خود برجای گذاشته‌اند خواهیم پرداخت.

خواجه غیاث‌الدین علی نقشبند یزدی

در دوران صفوی، یعنی دوران طلایی صنعت پارچه‌بافی ایران، ما شاهد حرکتی جهت به‌وجود آوردن یک طبقه هنرمند به‌صورت بافنده و طراح هستیم؛ از جمله ظهور هنرمند نامی غیاث‌الدین که بدون تردید وی را می‌توان از بزرگترین هنرمندانی دانست که با تمام وجود به هنر عشق می‌ورزید و به دلیل مهارت او در طراحی تهیه نقوش پارچه او را «غیاث نقشبند» می‌نامیدند. خواجه غیاث معاصر شاه‌عباس بزرگ و از نواده‌های «مولانا کمال خطاط» مشهور به «عصار» که از خوشنویسان معروف عهد خود به‌شمار می‌رفت، بود که می‌توان گفت غیاث، ذوق هنری خود را از او به ارث برده است. او بر اثر توجه پادشاه صفوی و بزرگان کشور، عزت فراوان یافت و زندگی پر جلال و شکوهی داشت. (کساک، ۱۳۴۱: ۱۰)

خواجه غیاث در اصفهان کارخانه زری‌بافی و مخمل‌بافی سلطنتی را اداره کرد، علاوه بر نقشبندی، خود در بافت پارچه‌ها نیز شرکت می‌کرده است. شیوه طراحی و نقشبندی غیاث‌الدین از طرح‌های قرن دهم یعنی دوره اول سلطنت صفویان اقتباس شده است و خود او موجد دو ابتکار فنی بافت پارچه‌های «چند تابی» و «مخمل» بوده است. چندتایی، پارچه‌ای است که در آن دو یا چند پارچه ساده را چنان درهم می‌بافند که گویی هر یک مستقل است، اما به‌طوری با هم جور شده‌اند که طرح گل و بته را برجسته و روشن جلوه می‌دهند و این طرز پارچه‌بافی برای بافت و نمایش دشوارترین و پیچیده‌ترین طرح‌ها و تصاویر به‌کار می‌رود. خواجه غیاث با در آمیختن سه پارچه به رنگ‌های سبز و سرخ و سفید، قاب‌هایی ایجاد کرده که در آن‌ها نه تنها گل‌های ظریف و پرندگان و جانوران طبیعی، بلکه نقش شاهزاده جوانی را در حال استراحت در باغ نشان داده است. به‌گواهی آثار بازمانده، غیاث در ایجاد طرح‌های گوناگون بر روی پارچه، مهارتی به‌سزا داشته است. مخمل‌هایی که بر روی آن‌ها نقش انسان بافته شده نیز به همین سبک است و هر چند تنها دو قطعه از این مخمل‌ها دارای رقم غیاث می‌باشند ولی از روی شیوه کار، همه را می‌توان از او دانست. (کساک، ۱۳۴۱: ۱۱)

خواجه غیاث پس از مدت‌ها زندگی در شهر اصفهان و اداره کارخانه‌های زری‌بافی شاه‌عباس بزرگ به زادبوم خود، یزد، مراجعت کرد. یزد در آن دوره بر اثر وجود خواجه غیاث‌الدین نقشبند و فرزندان و نواده‌های هنرمند او، مرکز مهم نساجی ایران شده بود و همکاری نقاشان و نساجان، موجب پیدایش پارچه‌هایی گردیده بود که در فن بافندگی، شاهکاری به‌شمار می‌روند؛ و شهرت بافندگان و نقشبندان یزد به جایی رسیده بود که از آن‌ها برای کار در دستگاه‌های نساجی هند دعوت به‌عمل می‌آمد و از هنر و مهارت آن‌ها در پیشرفت این صنعت در آن کشور استفاده می‌شد. بعضی از فرزندان غیاث نیز مانند خود او هنرمند بوده و به نقشبندی و بافت پارچه‌های گرانبها روزگار می‌گذرانیده‌اند؛ ولی از آن میان فقط نام و رقم یکی از پسران او یعنی «معزالدین» به صورت «معز» و «ابن غیاث» بر روی پارچه‌ها باقی مانده است. (کساک، ۱۳۴۱: ۱۲)

در مجموع آثار چاپ شده در کتاب آرترپوپ هشت قطعه از بافته‌ها با امضای استاد غیاث‌الدین



شناسایی شده است.

تصویر شماره (۱): زمینه، ساتن سیاه و سفید است. طراحی، چهره‌های تکرار شده داستان لیلی و مجنون را نشان می‌دهد. لیلی، سوار بر شتر به نظر می‌رسد، و مجنون توسط حیوانات احاطه شده است. بافته شده با تارهای نقره‌ای و طلایی (نقره بر روی ابریشم سفید، نقره طلاکاری شده بر روی ابریشم زرد) و آبی، سبز، زرد، نارنجی مایل به صورتی، و ابریشم سفید. در حاشیه کتیبه‌ای به زبان عربی «عمل غیاث» (کار غیاث) نوشته شده است.

در این اثر گویا داستان عاشقانه «لیلی و مجنون»، استاد غیاث را که در عین حال، شاعر



تصویر شماره ۱: قطعه بافته شده از ابریشم: دیدار لیلی و مجنون در بیابان، اثر غیاث
دوره صفوی، در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ میلادی
(حدود ۱۰۲۰-۱۰۳۰ ه.ق)
موزه سلطنتی هنر و تاریخ، بروکسل، ابعاد: ۶۸×۶۹ سانتیمتر
مواد و تکنیک: ابریشم بافته شده با تارهای فلزی

و بافنده و طراح بوده، سخت مجذوب خود ساخته است. بر روی پارچه اطلسی که رقم غیاث را دارد، لیلی در حالی که در کجاوه‌ای بر روی شتر از بیابانی می‌گذرد و مجنون با تنی لاغر در کناری نشسته و با جانوران الفت گرفته را با لطف خاصی نشان داده است. گرچه فراوانی گل و بوته‌ها در اطراف این طرح، مانع از جلوه صورت انسان‌ها است و این با غرض اصلی بافنده که زینت پارچه بوده است مغایرت ندارد. ولی همین طرح و نقش کوچک، آن‌چنان لطف و زیبایی طبیعی دارد که بارها موضوع اصلی طراحی قرار گرفته است. (ذکاء، ۱۳۴۱: ۱۲)

تصویر شماره (۲): در حاشیه این پارچه صلوات بر چهارده معصوم به خط ثلث بافته شده است؛ در تزیین بالای طرح کلمه «الله آمده که درون حروف این کلمه مقدس سوره فاتحه و اسم بافنده به صورت عمل غیاث بافته شده است.

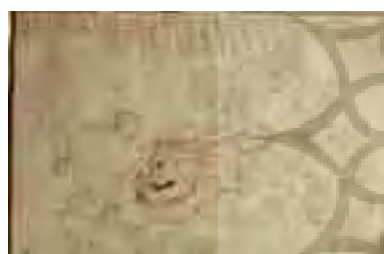
معین مصور

معین مصور از نقاشان زبردست و ماهر سبک اصفهان بود که در سال ۱۰۲۴ ه.ق در شهر یزد متولد شد، ولی بیشتر عمر خود را در اصفهان گذراند. تاریخ مرگ معین مصور دقیقاً مشخص نیست ولی حدوداً در سال ۱۱۱۵ ه.ق وفات یافت وی از شاگردان رضا عباسی خود سرآمد نقاشان و هنرمندان اصفهان و از پیشتازان مکتب نقاشی اصفهان بود او دگرگونی عظیمی در هنر نقاشی پدید آورد. از شاگردان معروفش علاوه بر معین مصور می‌توان از محمدقاسم، محمدیوسف، حیدر نقاش و محمدشفیع نام برد.^[۱] اما از شاگردانش هیچ یک به اندازه معین مصور به او نزدیک نبودند، وی مکتب و شیوه رضا عباسی را بهترین سبک هنری می‌دانست و در حفاظت و پیشرفت آن سعی بسیار نمود. وی هیچ‌گاه از مکتب اصفهان و

۱- لغت‌نامه دهخدا، ذیل رضا عباسی

شیوه رضا عباسی عدول نکرد، به خصوص در شبیه‌سازی و چهره‌پردازی استادی ماهر بود و از ویژگی‌های موضوعات نقاشی‌های او ارائه مجالس بزم و رزم و شکار است. وی صورت‌ها را به سبک اصفهانی یعنی پرملاحت تصویر می‌کرد. (روحفر، ۱۳۷۵: ۱۲)

در نقاشی‌های معین مصور نقش پرنده به صورت منفرد یا در تزیین پارچه البسه افراد بسیار نقش شده که وی در به تصویر درآوردن آن‌ها مهارتی از خود نشان داده است. وی در شیوه‌های آبرنگ، سیاه‌قلم و قلمدان‌سازی نقاشی می‌کرد و علاوه بر مصور ساختن داستان‌ها و موضوعات مختلف آن در تک چهره‌سازی نیز استاد بود که در این راه کاملاً از روش و حتی ریزه‌کاری‌های رضا عباسی پیروی می‌کرد. آثار نقاشی معین مصور عمدتاً در فاصله سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۱۰۰ ه.ق است.^[۲]



تصویر شماره ۳: حمله ببر به جوان، ۱۶۷۲ میلادی، موزه هنرهای زیبای بوستن، اثر: معین مصور



تصویر شماره ۴: مرگ سهراب، شاهنامه فردوسی، ۱۶۴۹، موزه بریتانیا، اثر: معین مصور

۲- کریم‌زاده تبریزی محمدعلی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، جلد ۳، لندن، ۱۳۷۰، ص ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۴.

طرح‌ها و نقوش

دستبافته‌ها و منسوجات سنتی یزد به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند: منسوجاتی که صرفاً جنبه کاربردی دارند و ارزان قیمت هستند و با نقش و طرحی ساده تولید می‌شوند مانند انواع پارچه‌های کرباس، جاجیم و... دسته دوم محصولاتی بودند که از مرغوبیت بالاتری برخوردارند. پارچه‌های ابریشمی مانند دارایی، دستمال یزدی و... در این گروه جای دارند. دسته سوم پارچه‌های بسیار مرغوبی بودند که به علت قیمت بالایی که داشتند تنها در دربار سلاطین و امراء مصرف می‌شدند. ترمه‌بافی و زری‌بافی دو نمونه معروف این گونه پارچه‌ها هستند. (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۱۸۹)

در بررسی پارچه‌های زری دوره صفوی، نقوش و موضوعات تزئینی این پارچه‌ها را می‌توان به چند گروه کلی طبقه‌بندی نمود. نقوش انسانی، جانوری اساطیری، گیاهی، هندسی، اسلیمی و بته جقه، طرح محراب و خط شامل انواع خطوط نسخ، ثلث، نستعلیق و گاه خط کوفی، لچک و ترنج «زری» یا «زربفت» به پارچه‌ای اطلاق می‌شود که در بافت آن الیاف فلز طلا یا نقره به کار رفته باشد. این الیاف را در اصطلاح گلابتون می‌گویند. گلابتون نخ ابریشم بسیار ظریف است که بر دور آن رشته نازکی از فلز طلا یا نقره پیچیده شده باشد. (روحفر، ۱۳۷۸: ص ۷۴)

یکی از ویژگی‌های عمده بافندگی دوره صفوی به‌خصوص در اصفهان نزدیکی نقاشی به پارچه‌بافی است. که البته این نزدیکی از دوره تیموریان (قرن ۹ هـ) هم زمان با اهمیت و پیشرفت هنر مینیاتورسازی آغاز و در دوره صفوی با تشکیل کانون هنری اصفهان و تجمع هنرمندان در این مرکز بیش از پیش فزونی یافت. به‌طوری که بسیاری از بافندگان و طراحان پارچه از نقاشان معروف این زمان بودند و آثار بسیار زیبا و نفیس از خود به یادگار گذاشتند. در دوره‌های گذشته طراحی پارچه‌ها نیز توسط نقاشان انجام می‌شده اما به‌عنوان نمونه با

وجود امضای واضح معین مصور بر پارچه‌ها، این نکته به ذهن می‌آید که ارتباط هنرها در آن دوره به حدی بوده که طراح پارچه، بافنده آن هم بوده است. به‌ویژه که همواره نام بافنده به‌عنوان امضاء بر پارچه‌های قدیمی دیده می‌شود. به‌طورکلی پارچه‌هایی که در دوره صفوی به‌خصوص در زمان شاه‌عباس اول بافته شد، شاید در تمام تاریخ هنر نساجی ایران بی‌نظیر باشد. شاه‌عباس اول در اصفهان کارگاه‌های زری‌بافی و مخمل‌بافی وابسته به دربار دایر نمود و استادان بافنده زبردست را در این مرکز و همچنین شهرهای یزد و کاشان به کار گمارد. پارچه‌هایی که در این کارگاه‌ها بافته می‌شدند با تمام تنوع و گوناگونی در نوع، جنس، رنگ و نگاره‌ها، تابع دو مکتب بودند. سبکی به رهبری غیاث‌الدین مشهور به غیاث نقشبند و سبک هنری رضا عباسی که در واقع همان مکتب اصفهان است، دو شیوه‌ای بودند که اکثر پارچه‌بافان ایرانی از آن‌ها بهره می‌جستند. هنرمندان پیرو سبک غیاث نقشبند از طرح‌های کوچک استفاده می‌کردند که در یک طرح گل با یکدیگر هماهنگی داشتند و هنرمندان پیرو سبک رضا عباسی از نقوش و طرح‌های بزرگ بهره می‌جستند که در خیلی از ریزه‌کاری‌ها مثل نمایش چهره، نوع لباس و دیگر جزئیات شبیه نقاشی‌های سبک اصفهان بود. (روحفر، ۱۳۷۸: ۷۲)

بافته‌های ساخت یزد در موزه ویکتوریا آلبرت

موزه ویکتوریا آلبرت از موزه‌های معروف لندن و یکی از قدیمی‌ترین موزه‌های هنرهای تزئینی دنیا می‌باشد که در اواسط قرن نوزدهم میلادی یعنی سال ۱۸۲۵ میلادی تأسیس شده است. نام آن از ترکیب نام ملکه ویکتوریا و همسرش آلبرت گرفته شده است. این موزه در ابتدا با هدف برگزاری نمایشگاه‌های بزرگ به دستور آلبرت نمایشگاهی از مصنوعات جدید و اختراعاتی در لندن برپا شد. در آن نمایشگاه از تمامی دنیا مخترعان، ساخته‌های جدید خود را به لندن آورده بودند. هدف این نمایشگاه ایجاد یک محیط آموزشی برای مدارس و دانشگاه‌ها بود که تا حد زیادی هم توانست به هدفش برسد که در پی موفقیت‌های چشمگیرش موفق به فراهم کردن کلکسیون غنی از مجموعه‌های بی‌نظیر هنرهای تزئینی دوره‌های مختلف شد و در نهایت تبدیل به یکی از معتبرترین موزه‌های هنرهای تزئینی دنیا گردید. ارتباط تنگاتنگ این موزه با دانشگاه‌ها و محققان و متخصصان داخل و خارج کشور انگلستان، باعث شده است که مجموعه‌ای از زبده‌ترین متخصصان، موزه‌داران، مرمت‌گران و محققان در این مجموعه فراهم آیند، تا منبعی غنی جهت تبادل اطلاعات در زمینه‌های مختلف برای پژوهشگران، در دسترس قرار گیرد.

در طبقه اول این موزه بخشی قرار دارد که متعلق به هنر ایرانی است، تابلوی نفیسی از زنان قاجار، مربوط به دوره فتحعلی‌شاه، بر دیوار نصب شده است. یکی از نفیس‌ترین اجناس درون موزه فرش اردبیلی است که در گذشته در بقعه شاه صفی‌الدین پهن بود و در زمان شاه طهماسب اردبیلی به شاه عثمانی هدیه داده شد. سال‌های بعد، در قرن ۱۷ نیز آن‌ها این فرش را به دولت بریتانیا فروختند. این فرش زیر یک فضای شیشه‌ای قرار دارد که درون آن چراغ‌هایی نصب شده است که هر نیم ساعت یک بار چراغ‌ها را روشن می‌کنند تا بافت ریز فرش بهتر دیده شود. در بخش هنر دنیای اسلامی موزه، عمده آثار به هنر ایران تعلق دارد. نمونه‌هایی چون سفالینه‌های کاشان، اسطرلاب‌های قدیمی، تابلوهای نقاشی و خط نستعلیق، مینیاتور، محراب‌های چوبین و سفالین، فرش و منسوجات ساخت ایران در این مجموعه جای دارند.

همانطور که گفته شد، هدف این موزه در ابتدا، ایجاد یک محیط آموزشی برای مدارس و دانشگاه‌ها بود. بنابراین با مجموعه منسوجاتی از هنر ایران روبه‌رو هستیم که هر قطعه با شناسنامه و مشخصات کامل توسط پژوهشگران موزه طبقه‌بندی و شناسایی شده‌اند. بخش پارچه و لباس یکی از گنجینه‌های ارزشمندی است که آثار بسیاری از دست بافته‌های ساخت ایران در آن نگهداری می‌شود. در این مختصر تلاش می‌شود تا مجموعه منسوجات ساخت یزد که در موزه ویکتوریا آلبرت نگهداری می‌شود، توضیح داده شود.

تصویر شماره (۵): بخش مرکزی دارای یک زمینه قرمز با یک تورفتگی روشن است که طرح‌های



ناهموار سیاه و سفید، قرمز و گل‌های آبی به‌همراه درختان کوچک زرد و ظریف، از سرو بزرگ جدا شده و به رنگ سبز مشخص شده است. زمینه قرمز توسط یک درخت سرو با باندهای زرد و سفید و با چهار گلبرگ به رنگ قرمز و بنفش تخت که در مرکز، با شکلی متقارن قرار گرفته است. درخت از یک طرف پاتیل مانند با انعکاس رنگ و نقوشی با نور آبی، مانند نقشمایه‌ای با یک هلال زرد رنگ ظاهر می‌شود.

نیمی از درخت، به یک طرف است، به شکل شمع و نقش طاووس، هر دو در یک زمینه آبی رنگ و با نقوش کوچک تزیین شده است. در رأس قوس دو جفت طوطی دم دراز سبز است که سر و گردن آن با دو خط فلزی خلاصه شده است.

بقیه فضا با ترکیب نقوش در مجموعه‌ای یکدست از پوشش متناوب یک گیاه گلدار به رنگ آبی، بنفش و قرمز و یا چیزی که یادآور یک عقاب دو سر به رنگ سبز، قرمز و آبی اجرا شده است.

کناره‌های پرده در هر چهار طرف مختلف هستند. سه طرف وسیع‌تر از یک سمت به خارج فضای مرکزی هدایت می‌شود.

اول: زمینه سبز با یک خط از درختان کوچک سرو که توسط خطی از گل و بته‌های قرمز و برگ لبه پر شده است.

دوم: زمینه به رنگ قرمز با یک شکل ساده شده‌ای از گل و گل‌دان در بخش مرکزی با گل سفید و یا آبی است.

سوم: زمینه آبی تیره با دو شاخه موتیف قوسی شکل و قرمز مشخص شده در سفید و آبی با یک بته مورب هر دو طرف و یک ساقه گل در پایه مشخص شده است.



تصویر شماره ۵: پارچه پرده، ساخت: یزد، ۱۸۵۰-۱۸۷۰ میلادی، هنرمند: ناشناخته، محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت لندن مواد و روش‌ها: بافته شده پشم و ملیله ابعاد: طول ۲۰۰×۱۳۴ سانتیمتر

تار: سفید، قرمز، آبی تیره، پشم زرد و سبز و بود: سفید، قرمز تیره، قرمز، صورتی، سبز، آبی تیره، پشم به رنگ آبی و زرد و پیچ و تاب است.

تاریخ اثر: یکی از جفت پرده پشمی نقش دار، در دو متر پارچه جناغی، که توسط مرداک اسمیت به مبلغ چهار پوند خریداری شده است. در اوایل ۱۸۷۰ در یزد [شهری که معمولاً به ابریشم بافی و پارچه پشمی شال معروف است] ساخته شده است.

در اروپا ملیله بافی است که معمولاً با آویزان کردن به دیوار در مقیاس بزرگ، مانند پرده‌های نقش دار شکار در شهر «داونشیر» انگلستان نمایش داده می‌شوند. بود، ترکیبی از رنگ‌های مختلف است که در سراسر عرض پارچه عبور نمی‌کند و از لبه به لبه تشکیل و در بخش‌های کوچک مورد نیاز از طراحی استفاده شده است. ملیله سنتی دارای ساختار بافت ساده‌ای است که به دلیل آویختن، نسبتاً ضخیم و سفت به نظر می‌رسد. در حالی که بافندگان ایرانی کپی این روش را با استفاده از یک پارچه جناغی شال کشمیر تولید کرده‌اند و محصول نرم‌تر و ساده‌تر شده است.

تصویر شماره (۶): بافته شده از ابریشم و پارچه پنبه جناغی در پشت.

تار: ابریشم، پیچ و تاب در رنگ‌های آبی، سیاه و سفید و صورتی و بود: ابریشم، پیچ و تاب در رنگ سفید، قرمز، زرد و سبز تیره.

الگوی راه‌راه: اول، زمینه قرمز با راه‌راه‌های پر پیچ و خم نازک قرمز و سفید خال خال که در چهار برگ سیاه و سفید که گاه‌به‌گاه طرح شده قرار دارد. در بالای آن راه پر پیچ و خم از ترکیب بته‌ها با یک افشانه پر گل، به تناوب در زمین سفید طراحی شده است.

دومین نوار باریک آبی با یک خط پیوسته از نقوش گل‌های کوچک قرمز و زرد به رنگ سبز تیره در لبه آن می‌باشد.

سومین نوار وسیع‌تر از سیاه و سفید با راه پر پیچ و خم ضخیم از رنگ قرمز به رنگ



تصویر شماره ۷: پارچه لباس، ساخت یزد، تاریخ: ۱۸۶۰-
۱۸۹۹ محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت لندن
مواد و روش ها: نخ ابریشم، بافتندگی
ابعاد: ۱۰×۶ سانتیمتر



تصویر شماره ۸: پارچه لباس، ساخت یزد، تاریخ:
۱۸۶۰-۱۸۹۰ میلادی، محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت
لندن
مواد و روش ها: بافت با نخ ابریشم و دوخت
ابعاد: ۴۱×۳۶ سانتیمتر



تصویر شماره ۹: پارچه لباس، ساخت یزد، تاریخ: ۱۸۶۰-
۱۸۹۹، محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت لندن
مواد و روش ها: ابریشم بافته شده
ابعاد: ۵۶×۹۳ سانتیمتر

پارچه ابریشم جناغی بافت، معروف با عنوان «حسین قلی خان»، این نوع پارچه برای صادرات به هند ساخته شده بود که توسط پارسی های ثروتمند خریداری شده است.

تار: از ابریشم پیچیده سیاه و سفید و بود: ابریشم سبز تیره پیچ خورده می باشد. زمینه قرمز، سفید، سبز و نارنجی ابریشم به عنوان بود الگو می باشد. زمینه سیاه به شبکه نوک تیز توسط رنگی پریده تقسیم شده است که به طرف ساقه ای با طرحی از گل برمی گردد. شکل محصور شده با دو نقش، هر کدام در هر باند وجود دارد که هر دو به بیرون بته ها خم شده و به یک شکوفه مرکزی و یک جفت از پرندگان می رسد. این پارچه، در سال ۱۸۹۴ توسط شرکت «کاردینال زها و هارپر» به لندن آورده شده است.

تصویر شماره (۸): پارچه لباس، بافت ابریشم جناغی که به شیوه حسینقلی خان بافته شده است. پودهای شناور به عنوان یک پوشش بین خطی، عمل می کند. زمینه سیاه و سفید با الگویی کلی از ردیف بته ها و طرحی کلی از یک گل شکل گرفته است. هر بته شامل یک ساقه گل روینده زرد و صورتی بر روی زمینه سفید می باشد. پایه هر بته و ساقه گل میخک به رنگ صورتی و سبز، همه منحنی ها به سمت راست جمع کرده است. زمینه بین بته ها با نقوش گل کوچک تقسیم بندی شده است. رنگ ها با برخی تغییرات جزئی در اثر حزن انگیز هستند. در امتداد بالا و پایین باندهای سیاه و سفید، زرد و قرمز بسیار باریک طراحی شده است و در دو طرف گروه وسیع تری با الگوی کوچک تکراری از سه برگ های سبز، گل سر صورتی و سبز ترکیب شده است. یک مرز محدودکننده در هر دو طرف وجود دارد که آن را از یک زمینه سفید با انواع گل صورتی توسط یک نوار باریک جدا کرده است. قطعه بافته شده احتمالاً برای یک جامه ساخته شده است.



تصویر شماره ۶: پارچه لباس، ساخت یزد
تاریخ: ۱۸۶۰-۱۸۹۰ میلادی، محل نگهداری: موزه ویکتوریا
آلبرت لندن
مواد و روش ها: نخ ابریشم، نخ پنبه
ابعاد: حداکثر ۲۶×۱۹ سانتیمتر

زرد گاه به گاه حاوی نقوش گل کوچک به رنگ زرد، سبز، سفید و تیره در لبه است. در بالای آن بته ای به رنگ قرمز، زرد و سبز تیره دیده می شود.

این قطعه دست بافت از این نظر جالب است که از طریق قرار دادن رنگ در تار و پود و ترکیب بندی، برای ایجاد فام های مختلف استفاده شده است.

توصیف ظاهری: ابریشم بافته شده، بافت پارچه جناغی، طرح با توالی تکرار از دو راه راه باریک شکل گرفته است. یکی با زمینه سیاه و سفید، گل های قرمز، سفید و برگ پرتقال که با تشکیل یک راه پر پیچ و خم و جزئیات سبز رنگ است و دیگری با زمینه سفید و راه های پر پیچ و خم نازک سیاه و سفید، جوانه های کوچک و بنفش خیلی کم رنگ با لبه های بسیار باریک راه راه سیاه و سفید که در هر نوار گسترده شده است.

تار: شامل ابریشم سیاه و سفید با پیچ و تاب و پود: قرمز، سبز، بنفش، نارنجی، سفید و ابریشم سیاه و سفید، با پیچ و تاب کامل است.

تصویر شماره (۷): لباس یا پارچه شال،



منابع:

۱- پوپ آرتر، فیلیس اکرم (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران، جلد یازدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۲- کریم زاده تبریزی محمدعلی (۱۳۷۰)، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، جلد ۳، ص ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۴.

۳- رمضانخانی، صدیقه (۱۳۸۷)، هنر نساجی در شهر یزد، با همکاری لیلامدرس مصدق، نشر سبحان نور، تهران.

۴- روحفر، زهره (۱۳۷۸)، زری بافی در دوره صفویه، ارتباط هنر نقاشی با نقوش پارچه‌های زریفت، کتاب ماه هنر بهمن و اسفند، ص ۷۳.

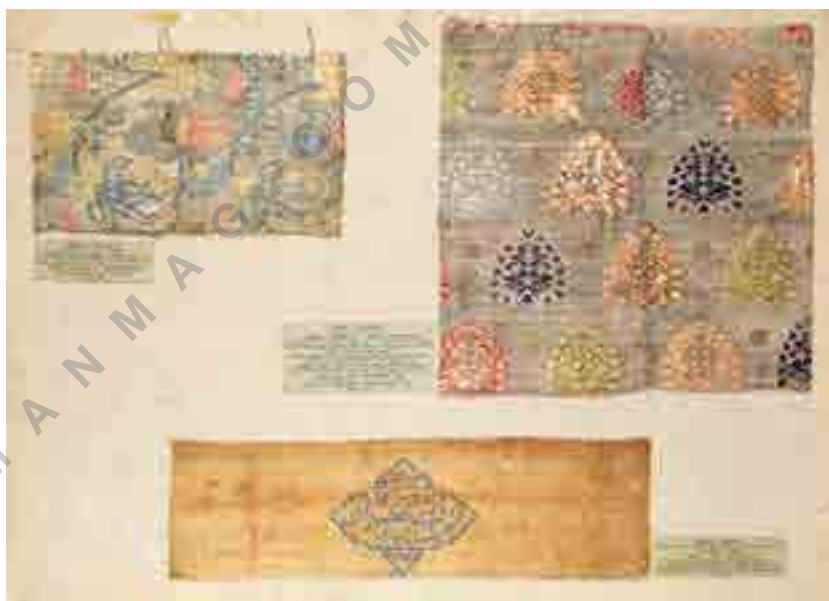
۵- روحفر، زهره (۱۳۷۵)، جلوه‌هایی از هنر معین مصور، مجله میراث فرهنگی، پاییز و زمستان، شماره ۱۶، ص ۱۲.

۶- ذکاء، یحیی (۱۳۴۱)، غیاث نقشبند چهره جاویدان هنر، مجله هنر و مردم، شماره ۱، آبان ماه، ص ۸.

۷- ویلسن، کریستی (۱۳۶۶)، تاریخ صنایع ایران عصر صفوی، ترجمه عبدالله فریار، چاپ دوم، تهران.

۸- سایت موزه ویکتورین آلبرت لندن:

<http://collections.vam.ac.uk/item/O154552/dress-fabric-unknown/>



تصویر شماره ۱۰: پارچه پرده‌ای، ساخت: یزد، ایران، تاریخ: ۱۸۶۳ میلادی، محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت لندن

مواد و روش‌ها: نخ ابریشم، نخ فلزی

ابعاد: ۱۳×۴۲/۵ سانتیمتر

علائم و کتیبه: هوالله، فرمایش سرکار نواب اشرف حشمت، ۱۲۷۹ ه.ق، ۱۸۶۳ میلادی

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های عمده بافندگی دوره صفوی نزدیکی هنر نقاشی به پارچه‌بافی است که البته این نزدیکی از دوره تیموریان (قرن ۹ ه.ق) هم زمان با اهمیت و پیشرفت هنر مینیاتورسازی آغاز و در دوره صفوی بیش از پیش فزونی یافت. به طوری که بسیاری از بافندگان و طراحان پارچه از نقاشان معروف این زمان بودند و آثار بسیار زیبا و نفیس از خود به یادگار گذاشتند. به طور کلی پارچه‌هایی که در دوره صفوی به خصوص در زمان شاه عباس اول یافته شد شاید در تمام تاریخ هنر نساجی ایران بی نظیر باشد. شاه عباس در اصفهان کارگاه‌های زری بافی و مخمل بافی وابسته به دربار دایر نمود و استادان بافنده زبردست را در این مرکز گرد آورد و پارچه‌هایی که در این مرکز و همچنین شهرهای یزد، کاشان بافته می‌شدند با تمام تنوع و گوناگونی در نوع جنس و رنگ و نگاره‌های مختلف تابع دو مکتب بودند. سبکی به رهبری غیاث‌الدین معروف به غیاث نقشبند با مشخصه ویژه استفاده از طرح‌های کوچک که در یک طرح گل با یکدیگر هماهنگی داشتند. و مکتب دوم بافندگی در دوره صفوی به رهبری رضا عباسی نقاش معروف شکل گرفت که در واقع همان مکتب نقاشی اصفهان است و یکی از اصول آن در بافندگی استفاده از نقوش و طرح‌های بزرگ است و در خیلی از ریزه‌کاری‌ها مثل نمایش چهره، نوع لباس و کلاً موضوع شبیه نقاشی‌های سبک اصفهان است. در مجموع می‌توان گفت، با ترقی در اوضاع و احوال تجاری و بافندگی یزد در دوره‌های مختلف اسلامی، یزد را از مراکز اقتصادی، هنری و فرهنگی می‌یابیم که با آغاز دوران حکومت صفوی، جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. مجموعه آثار به جامانده از غیاث‌الدین نقشبند یزدی و معین مصور بیانگر رونق و جایگاه هنر نساجی یزد در این دوره است. موزه بزرگ ویکتوریا و آلبرت که یکی از غنی‌ترین موزه‌های جهان به لحاظ آثار هنری است از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است. آثار ساخته شده در یزد که در بخش پارچه و لباس این موزه نگهداری می‌شود نمایانگر رشد و بالندگی این هنر در دوره‌های تاریخی به خصوص دوره صفویه و بعد از آن در یزد می‌باشد که بی‌شک پژوهش‌ها و مطالعات زیادی را می‌طلبد. ■